

بررسی روایات فضایل و مثالب شهر قم

بی بی زینب حسینی*

مهدی جلالی**

چکیده

فضایل شهرها از جمله موضوعاتی است که خاستگاه بسیاری از روایات ساختگی است. در این نوشتار ما در پی آنیم که روایات فضایل شهر مقدس قم را ارزیابی سندی و متنی داشته باشیم. این روایات اولین بار از طریق حسن بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (برادر میانی شیخ صدوق)، عابدی زاهد و عزلت نشین - که بهره‌ای از فقه نداشت - برای حسن بن محمد بن حسن سائب اشعری قمی نقل شد. بعدها این روایات توسط مؤلفان جوامع حدیثی متأخر، مانند علامه مجلسی، شیخ حرعاملی، میرزا حسین نوری در متون حدیثی مشهور شدند. اکثر این روایات دارای اسناد ضعیف و متونی نقدپذیر هستند.

کلیدواژه‌ها: اخبار ساختگی، روایات فضایل شهرها، قم، بررسی سندی، بررسی متنی.

درآمد

بازبینی و بررسی سندی و متنی روایات در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی - که به صورت جزئی از فرهنگ مسلمانان درآمده - امری روشن و ضروری است که متأسفانه در همه موارد، بدان توجه لازم نمی‌شود.

با بررسی تاریخ حدیث روشن می‌شود که دروغ‌پردازان، در مقاطعی، با انگیزه‌های گوناگون اقدام به جعل حدیث نموده و با اسناد ساختگی احادیث مجعول را در حوزه روایات اسلامی وارد کرده‌اند. این معضل از زمان پیامبر شروع شد^۱ و پس از آن نیز

* استادیار دانشگاه یاسوج.

** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

۱. من کذب علی متعمداً فلیتیواً مقعده من النار... (جامع احادیث الشیعه، ج ۶، ص ۱۰۲-۱۰۳). روایات بسیار دیگری نیز

دروغگویان سخنانی را به دروغ به ائمه اطهار علیهم السلام نسبت دادند. بنا بر این، همان قدر که تعلیم و تعلم روایات صحیح ارزشمند است، تفکیک روایات معتبر از غیر معتبر نیز مهم و ضروری است. لزوم بررسی سندی و متنی روایات احکام از گذشته مورد توجه فقها بوده است و اخیراً نگاه نقادانه به روایات تفسیری و سایر روایات و اخبار نیز مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. یکی دیگر از این حوزه‌ها، شناخت صحت و سقم اخبار و روایاتی است که بر فرهنگ جامعه تأثیر گذار است که روایات بیانگر مناقب و مثالب اقوام و بلاد، بخشی از آن است. در این نوشتار، در پی آنیم که به بررسی روایات مربوط به فضایل شهر قم و قمیان بپردازیم؛ روایاتی که هر از چند گاهی بر روی پرده نوشته‌ها در حرم حضرت معصومه علیها السلام دیده می‌شود و برخی نیز اقدام به جمع‌آوری کتب چهل حدیث برای فضیلت قم نموده‌اند و گاه یک روایت را دو تا سه بار تظییع کرده و آن را دو یا سه روایت مستقل نموده‌اند؛ امری که این تصور را برمی‌انگیزد که روایات مربوط به فضایل قم فراوان و در نتیجه غیر قابل انکار است.

قم

طبق برخی شواهد و مدارک تاریخی، شهر قم پیش از ظهور اسلام وجود داشته و از شهرهای آباد ایران بوده است و بنای آن را به تهمورث نسبت داده‌اند. در مقابل، بسیاری از مورخان آن را یک شهر تازه‌ساز و از آثار قرن اول هجری می‌دانند. قدیمی‌ترین منبعی که قم را از شهرهای مستحدثه اسلامی معرفی کرده، سفرنامه منسوب به ابی دلف است.^۲ این منطقه را در «دوران باستان» براوستان می‌گفتند و حوزه روستایی آن، کُمیدان و مرکز روستا را به نام «کُم» می‌خواندند. در قرن اول اسلامی نیز این شهر به نام «کُم» معروف بوده و از توابع اصفهان به شمار می‌آمد. شهر قم در سال ۲۳ هجری به دست لشکر اسلام فتح شد و اسلام در آن جا به گونه‌ای نفوذ پیدا کرد که به سرعت مردم به مذهب تشیع علوی متمایل گردیدند.^۳ از سال ۹۴ هجری اشعری‌ها به قم آمدند و در آبادانی آن تلاش فراوان کردند و از سال ۱۴۲ق، ازدادن خراج به خلفای دوران امتناع کردند. از آن تاریخ، قم به صورت یک

وجود دارد که به وجود کذابان در میان راویان اشاره دارد.

۲. وعن محمد بن الحسن، عن سهل بن زیاد، عن ابن سنان، عن محمد بن مروان، عن علی بن حنظلة قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: «اعرفوا منازل الناس علی قدر روایاتهم عنا» (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۷۹).

۳. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۱۵۴.

۴. ترمذیکا قم، ص ۵۴.

سرزمین نیمه خودمختار در حکومت اسلام درآمد، در سال ۱۸۹ق، از اصفهان جدا گردید و به صورت شهر مستقلی درآمد و جایگاه پرورش دانشمندان و فقیهان شیعی شد.^۵ قم بعد از دفن حضرت معصومه علیها السلام رونقی بسزایافت و پناهگاه مطمئنی برای دوستان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان گردید. از آن زمان به بعد، مردم به تدریج منازل خود را به مدفن حضرت معصومه علیها السلام نزدیک کردند تا از زیارت قبر ایشان بهره مند گردند. همچنین علما و دانشمندان زیادی در جوار کریمه اهل بیت علیهم السلام پرورش یافتند و به نشر و گسترش اسلام پرداختند؛ دانشمندانی همچون احمد بن محمد بن حسن بن ولید، شیخ صدوق، عیسی بن عبدالله قمی، و یا خاندان اشعری ها و سادات حسینی و موسوی و شخصیت های فراوان دیگری که مکتب فکری قم را به وجود آوردند؛ مکتبی که در کنار بغداد یکی از دو گرایش فکری مهم شیعه را در دوران پیش و پس از غیبت حضرت حجت علیه السلام تشکیل می داد.

در طول قرون و اعصار، شهر مقدس و مذهبی قم، صدمات جبران ناپذیری از طرف ستمگران بر جان خریده و در حملات متعددی این شهرویران شد و مردم آن قتل عام گردیدند. این ظلم و ستم در قرن اخیر هم به دست رضاخان و فرزندش ادامه پیدا کرد تا این که با شروع نهضت اسلامی این شهر به یکی از مراکز مهم پایه گذاری انقلاب اسلامی مبدل شد.

روایات فضایل قم

قدیمی ترین اثر درباره قم - که نام آن در مأخذ و کتاب شناسی ها آمده - رساله ای از سعد بن عبدالله اشعری دانشمند و محدث سده سوم هجری (درگذشته در حدود ۲۹۹ - ۳۰۱ق)، با نام *فضایل قم و کوفه و فضایل مردمان آن* است؛ اما اولین کتابی که به دست ما رسیده، *اخبار البلدان*، اثر ابوبکر شهاب الدین احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم همدانی اخباری (م ۲۵۵ق) و پس از آن، *تاریخ قم* از حسن بن محمد بن حسن قمی (م ۳۷۸ق) است که کتاب اخیر فصل بزرگی را به روایات فضایل قم اختصاص داده است.^۷ سپس روایات همین دو کتاب به آثاری چون: *الخصال* شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)،

۵. *تاریخ قم موسوم به مختار البلاد*، ص ۶۶.

۶. دو نسخه خطی به شماره های ۵۲۲۹ و ۵۱۴۹ از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که فاقد روایات مربوط به قم است.

۷. آنچه مسلم است، اصل عربی کتاب *تاریخ قم* تا آغاز قرن نهم بر جای بوده و پس از آن، هیچ آگاهی درستی در این باره نیست. این کتاب در سال ۸۰۵ق، به تشویق یکی از امیران خاندان صفوی به فارسی ترجمه شد و با ترجمه آن متن

الروضه البهیة شهید ثانی (م ۹۶۵ق) و بعدها به بحارالانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق) و وسائل الشیعه شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) راه یافته است.

روایات مربوط به فضایل قم، با حذف مکررات، در حدود چهل روایت است که در ده ها کتاب به صورت های مختلف روایت شده اند. بیشتر این کتاب ها، با اهدافی غیر از اغراض روایی نوشته شده اند و فقط برای تبیین جایگاه و ویژگی های بلاد به صورت عام و شهر قم به صورت خاص نوشته شده است از یک منظر کلی شاید بتوان این روایات را به دو دسته کلی روایات قابل پذیرش و روایات غیر قابل پذیرش تقسیم نمود.

روایات قابل پذیرش

الف. روایاتی که در باره افراد خاصی از اهالی قم و فقط برای اثبات وثاقت این افراد از جانب ائمه علیهم السلام صادر شده، اما به تدریج در برداشت از این روایات تحریف معنوی صورت گرفته و این روایات به تمام اهالی قم تعمیم داده شده و به عنوان یک قاعده کلی برای همه مردم قم در آمده است که در ذیل نمونه ای از آن را می بینید:

۱. عن محمد بن مسعود و علی بن محمد معاً، عن الحسين بن عبيد الله، عن عبد الله بن علي، عن أحمد بن حمزة، عن عمران القمي، عن حماد الثنابي قال: «كنا عند أبي عبد الله عليه السلام ونحن جماعة إذ دخل عليه عمران بن عبد الله القمي فسأله وبَّره وبَّشَّه، فلما أن قام قلت لأبي عبد الله عليه السلام: من هذا الذي بَرَّرتَ به هذا البر، فقال: من أهل البيت النجباء، يعني أهل قم ما أرادهم جبار من الجبابرة إلا قصمه الله».^۸

اصلی از بین رفت. مجلسی برای تدوین بحارالانوار آن را می جسته و نیافته است (بحارالانوار، ج ۱، ص ۴۲). حاجی نوری در خاتمه المستدرک (ص ۳۶۹) از عبارات کتاب منهاج الصوفی میر سید حسین احمد بن زین العابدین کرکی از عبارات فضائل السادات استظهار می کند که اصل عربی آن در نزد آنها بوده است؛ لیکن صاحب فضائل السادات خود تصریح می کند که نسخه موجود در نزد وی ترجمه کتاب تاریخ مدینه المؤمنین قم اثر حسن بن محمد بن حسن قمی است؛ نه اصل آن. سید حسین مدرسی طباطبایی چنین می نویسد: «بسیاری از مطالب این کتاب از افواه راویان گرفته شده است؛ لیکن وی این روایات را بی واسطه نقل می کند؛ در حالی که در برخی موارد قطعاً وساطتی وجود داشته اند؛ مانند روایت از ابن ابی زیاد، اسماعیل بن کثیر، زهری، سعد بن عبد الله ابی خلف اشعری، علی بن عیسی، فضل بن شاذان» (کتابشناسی آثار قم، ص ۱۲-۳۲). روایات این مقاله بر اساس نسخه اصل کتاب تاریخ قم به خط نستعلیق بهاء الدین حافظ کاتب قمی است. (تاریخ قم، تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، ص ۵۹).

۸. الاختصاص، ص ۶۹. در این روایت امام صادق علیه السلام عمران عبد الله قمی را تکریم می نماید و با روی گشاده با او رفتار می نماید و او را مدح نموده و برای سلامت وی و خاندانش دعا می کند. جالب این که در کتاب اختیار معرفة الرجال، کلمه قم وجود ندارد: محمد بن مسعود، و علی بن محمد، قالوا: حدثنا الحسين بن عبد الله، عن عبد الله بن علي، عن

برخی این عبارت را براین نکته حمل کرده‌اند که هیچ گاه آسیب و بلایی به قم و قمیان نمی‌رسد؛ در حالی که با توجه به روایت *اختیار معرفة الرجال* - که قید یعنی اهل قم را ندارد - می‌تواند خبری درباره خاندان عمران بن اعین یا دعایی در حق آنان باشد.

ب. روایاتی که مربوط به فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام و یا حضرت معصومه علیها السلام است و برای تشویق مردم به زیارت این دو بزرگوار صادر شده است، اما به خطا فضیلتی خاص برای اهالی قم و یا شهر قم قلمداد شده است؛ در حالی که الفاظ این روایات صراحتی در این مضمون ندارد:

۱. و عن محمد بن أحمد السناني، عن أبي الحسين محمد بن جعفر الأودي، عن سهل بن زياد، عن عبد العظيم الحسني قال: سمعت علي بن محمد العسكري عليه السلام يقول: «أهل قم وأهل آبه مغفور لهم، لزيارتهم لجدى علي بن موسى الرضا عليه السلام بطوس، أأفمن زار فأصابه في طريقه قطرة من السماء حرم الله جسده على النار».^۹

۲. حدثنا تميم بن عبد الله بن تميم القرشي رضی الله عنه قال: حدثنا أبي قال: حدثنا أحمد بن علي الأنصاري، عن أبي الصلت الهروي قال: كنت عند الرضا عليه السلام فدخل عليه قوم من أهل قم فسلموا عليه فرد عليهم وقربهم، ثم قال لهم الرضا عليه السلام: «مرحباً بكم و أهلاً فأنتم شيعتنا حقاً وسيأتي عليكم يوم تزوروني فيه ترتبي بطوس أأفمن زارني و هو على غسل خرج من ذنوبه كيوم ولدته أمه».^{۱۰}

ج. روایاتی که از شیعیان ایران، بویژه قم تمجید می‌کنند. البته این تمجید به قم اختصاص ندارد و در مورد بسیاری از بلاد دیگر چون خراسان و ری و طبرستان و... نیز صادر شده است:

۱. روی عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: «سلام الله على أهل قم ورحمة الله على أهل قم، سقى الله بلادهم الغيث، وتنزل عليهم البركات، فيبديل سيئاتهم حسنات، هم أهل

۹. أحمد بن حمزة، عن عمران القمي، عن حماد الناب، قال: كنا عند أبي عبد الله عليه السلام ونحن جماعة إذ دخل عليه عمران بن عبد الله القمي فسأله وبره وبشه، فلما أن قام، قلت لأبي عبد الله عليه السلام: من هذا الذي برته هذا البر؟ فقال: هذا من أهل بيت النجباء، ما أرادهم جبار من الجبابرة الا قصمه الله *(اختيار معرفة الرجال)*، ج ۲، ص ۶۲۴. احتمالاً عبارت «یعنی اهل قم» اضافه توضیحی شیخ مفید است و بعدها به عنوان جزئی از روایت تلقی شده است.

۱۰. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۸۸؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۵. امام، در این روایت، از آمرزش مردم قم و ساوه به خاطر زیارتشان خبر می‌دهد و مشخص است که انحصاری به بخشیده شدن کل مردم قم ندارد و در مقام بیان ثواب زیارت امام رضا علیه السلام است.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۲۸۵. در این روایت نیز امام برخی از شیعیان خود در قم را تکریم نموده است و به آنها خبر می‌دهد که در آینده قبر او را زیارت خواهند کرد و برای زیارت خود فضیلت بزرگی را بیان می‌نماید.

رکوع و خشوع و سجود، و قیام و صیام، هم الفقهاء العلماء، هم أهل الدین والولاية و العبادة، و حسن العبادة».^{۱۱}

۲. عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن أبی عمیر، عن جمیل بن دراج، عن زرارة بن أعین، عن الصادق علیه السلام قال: «أهل خراسان أعلامنا، وأهل قم أنصارتنا، وأهل کوفة أوتادنا، و أهل هذا السواد منا و نحن منهم...».^{۱۲}

به نظر می‌رسد پذیرش روایات سه دسته فوق هیچ مشکلی ندارد؛ علاوه بر این که با قراین تاریخی و خارجی دیگر کاملاً سازگار است و آن، این که در حد فاصل زمان امام موسی کاظم تا امام هادی نقش شیعیان قم نسبتاً پررنگ است.

روایات غیر قابل پذیرش

دسته ای از روایات، قابل نقد و بررسی است و غیر قابل قبول به نظر می‌رسد.^{۱۳} تقریباً همه روایات این گروه، اولین بار در کتاب تاریخ قم آمده‌اند. تاریخ قم نیز یکی از اصلی‌ترین منابع خود را اخبار البلدان ابن الفقیه همدانی معرفی می‌کند؛ اما چنان که اشارت شد، نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی فاقد روایات مربوط به فضایل قم است. سرنوشت کتاب تاریخ قم سرنوشت نامعلومی است و حتی متن اصلی - که عربی بوده - به دست علامه مجلسی نیز نرسیده است و صاحب بحار الانوار روایات خود را از ترجمه این کتاب گرفته است که به نوبه خود برای اصالت این دسته از روایات و اخبار نقطه ضعفی به حساب می‌آید؛ اگر چه ما در این فصل همه روایات را ذکر نمی‌کنیم، اما سعی بر آن است که تمام روایاتی که حاوی مضمون مستقلی است، در این فصل احصا شود. این گروه از روایات خود به چند دسته قابل تقسیم است:

۱۱. شرح اللمعة، ج ۱، ص ۴۴. امام در این روایت برای مردم قم دعا می‌کنند و تصریح می‌نمایند که در این شهر بزرگانی در فقه و عبادت و... وجود دارد؛ اگر چه سند این روایت مرسل است.

۱۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱-۲۱۶. در این روایت امام خراسانی‌ها را پرچم‌ها، قمی‌ها را یاران، کوفی‌ها را پشتوانه‌ها و... معرفی می‌نماید.

۱۳. در بررسی سندی برای حکم کردن به مجهول بودن راویان، به معنای عدم ذکر راوی در کتب رجال، به کتاب‌های معجم رجال الحدیث، رجال النجاشی، رجال الطوسی، فهرست الطوسی، رجال الکشی، رجال ابن الغضائری، خلاصة الاقوال، رجال البرقی مندرج در نرم افزار درایة النور و نیز کتاب تنقیح المقال مامقانی و مستدرک رجال الحدیث شیخ علی‌نمازی شاهرودی (با توجه به نام، کنیه، القاب و نسب) مراجعه کرده‌ایم. وزمانی که حکم به غرابت سندی و متنی می‌دهیم، متن و سند را در نرم افزار «مکتبة اهل البيت» و «جامع الاحادیث نور» جست و جو کرده‌ایم و بجز آن سند و متن در کتب روایی دیگر بیان نشده است. این جست و جو با چندین واژه کلیدی از یک روایت صورت گرفته و اگر حکم به غرابت متنی داده‌ایم، یعنی این روایت با هیچ زیاده یا کمی در سایر مجامع حدیثی نیامده است.

الف. روایاتی که به صراحت، فضایل خاصی را که با قرآن و یا سنت متواتر در تناقض است، برای شهر قم بیان می‌کند:

۱. و عن أبي مقاتل الديلمي نقيب الرى، قال: سمعت أبا الحسن على بن محمد عليه السلام يقول: «إنما سمي قم به لأنه لما وصلت السفينة إليه في طوفان نوح عليه السلام قامت، وهو قطعة من بيت المقدس».^{۱۴}

بررسی سند روایت

(۱) ابی مقاتل دیلمی مجهول است.^{۱۵}

(۲) سند این روایت منقطع است؛ چون بیش از چند راوی قبل از دیلمی تا امام ساقط شده است.^{۱۶}

(۳) این روایت از جهت متنی و سندی غریب است.^{۱۷}

بررسی متن روایت

(۱) این روایت با ظاهر قرآن تناقض دارد؛ چرا که در قرآن چنین آمده است:

«وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَسْمَأُ أَقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^{۱۸}

وگفته شد: ای زمین آب خود فروبروای آسمان باز ایست. آب فروشد و کار به پایان آمد و کشتی برکوه جودی قرار گرفت و ندا آمد که ای لعنت باد بر مردم ستمکاره.^{۱۹}

در اکثر تفاسیر جودی را نام کوهی در ناحیه موصل عراق دانسته‌اند و هیچ کس تا به حال نگفته است که جودی نام قم است:

۱۴. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱-۲۱۶. سه روایت وجه تسمیه قم را بیان می‌کنند: اول، قم از آن جهت قم نامیده شد که کشتی نوح بر آن ایستاد؛ دوم، قم از آن جهت قم نامیده شد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج به شیطان امر کرد از کنار آن برخیزد؛ سوم، قم از آن جهت قم نامیده شد که محل قیام یاران امام زمان عجل الله فرجه است. در این روایت به وجه تسمیه اول اشاره می‌شود.

۱۵. معجم رجال الحديث، ج ۲۱، ص ۵۱-۵۷؛ مستدرک رجال الحديث، ج ۸، ص ۴۵۶؛ تنقيح المقال، ج ۱، ص ۶۷. مجهول کسی که نامی از وی در کتب رجال نیامده باشد (اصول الحديث، ص ۱۰۵؛ منهج النقد، ص ۸۹). اگر چه در کتب درایه فردی را که نام وی آمده باشد، اما مدح یا ذمی در باره وی نرسیده باشد، داخل در این قسم نیز می‌دانند، اما در اینجا مقصود ما از مجهول، آن است که ذکری از نام وی در کتب رجال نیست.

۱۶. المنقطع هو الحديث الذي سقط من رواه راو واحد قبل الصحابي في موضع واحد او مواضع متعددة (منهج النقد، ص ۳۶۷؛ اصول الحديث، ص ۹۵).

۱۷. وهو الحديث الذي لا يروى الا من وجه واحد (منهج النقد، ص ۳۹۷).

۱۸. سوره هود، آیه ۴۴.

۱۹. ترجمه قرآن کریم، فولادوند، ص ۲۲۶.

«وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ»، اى استقرت السفينة على الجبل المعروف. قال الزجاج: هو بناحية آمد. وقال غيره: بقرب جزيرة الموصل.^{۲۰}

۲) همچنين اين روايت با شواهد حسی در تناقض است؛ چرا که قم به لحاظ جغرافیایی با بيت المقدس فاصله بسيار دارد و نمی تواند جزئی از آن باشد.

۲. روايت کرد مرا حسن بن علی بن حسین بن موسی بن بابويه (برادر میانی شیخ صدوق) به اسانید صحیح از ابی عبدالله الصادق علیه السلام که مردی به حضرت بزرگوار در آمد... امام صادق علیه السلام فرمود: همه مردم بيت المقدس محشر و منشر بود، الا بقعه ای به زمین جبل که آن را قم گویند که اهل آن موضع و شهر را در گور ایشان محاسبه کنند و از گورها به جنت حشر کنند. بعد از آن فرمود که: اهل قم مغفور و آمرزیده اند... امام فرمود: حدیث کرد مرا پدرم، از پدرش امام زین العابدین و او از جدش - صلوات الله و سلامه اجمعین -^{۲۱} که او فرمود که: در آن شب که مرا از این کلمه غبرا بر آن گنبد خضرا آوردند، نظر صائب من بر زمین افتاد، به زمین جبل، به غایت سبز و خرم و زمین آن از زعفران نیکوتر و بوی آن از مشک خوش تر، پس در این میان ناگاه بدان موضع پیری را دیدم به زانو در آمده و تکیه بر سر هر دو زانوی خود کرده و برنسی بر سر نهاده، یعنی کلاه بارانی پس جبرئیل علیه السلام فرمود: یا رسول الله، این بقعه را قم گویند و در این بقعه شیعه وصی تو و پسر عم تو علی بن ابی طالب علیه السلام باشند. پس گفتم: این پیر که در این جا به زانو در آمده، چه کسی است؟ گفت: این ابلیس - لعنه الله علیه - است. گفتم: از ایشان چه می خواهد؟ گفت: می خواهد این طایفه را از وصی تو برگرداند. پس گفتم (به شیطان): ای ملعون، برخیز و به طایفه مرجئه

۲۰. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵۰. جودی به هر کوه و زمین سخت اطلاق می شود. در بعضی از تفاسیر به کوهی در موصل اطلاق شده که به ارمنستان منتهی می شود و به آرات موسوم است. به نظر باستان شناسان نیز این کوه در قسمتی از دامنه کوه آرات قرار دارد (باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ص ۴۱ و ۴۴).

۲۱. تمام روایات فضایل قم در کتاب تاریخ قم حسن بن محمد سائب قمی از زبان این شخص است. در کتب رجال از او یادی نشده است. تنها ذکری که از او به میان آمده، نقل قولی از ابو عبد الله ابن سوره است که گفته پدر صدوق سه پسر داشت: محمد و حسین در فقه ماهر بودند و آن قدر روایت حفظ بودند که در قم مشهور بودند و سومی که پسر وسطی بود و مشغول عبادت و زهد بود و با مردم ارتباطی نداشت و چیزی از فقه نمی دانست (لا فقه له) و در سایر کتیب رجالی وی مجهول است (منتهی المقال، ج ۳، ص ۵۸؛ ج ۲، ص ۴۱۷). جای این پرسش باقی است که اگر این ها روایات معتبری بود، چرا صدوق حتی یکی از این روایات را در کتاب خویش نیاورده؛ با این که وی نیز در مکتب حدیثی قم بوده است.

۲۲. قابل توجه است که پیامبر جد مادری حسنین علیهما السلام است، نه امام زین العابدین علیه السلام.

(مزجیه) ۲۳ ملحدہ مشارکت کن... ۲۴

بررسی سند روایت

(۱) سند این روایت مرسل است.

(۲) در کتاب تاریخ قم حسن بن محمد بن حسن (م ۳۷۸ ق)، از سعد بن عبدالله ابی خلف (م ۳۰۱ ق) بلا واسطه روایت می‌کند؛ در حالی که عادتاً نمی‌توانسته وی را ملاقات کرده باشد.

بررسی متن روایت

(۱) برانگیخته شدن مردم از گورها در روز قیامت در بیت المقدس با روایاتی که محل حشر را وادی السلام معرفی می‌کنند، در تناقض است.^{۲۵}

(۲) این که مردم قم، برخلاف سایر مردم، بدون محاسبه در صحرای محشر منحصرأدر گور خود محاسبه می‌شوند و از آنجا مستقیماً و میان بر وارد بهشت می‌گردند، با آیات ذیل تناقض دارد:

«وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»^{۲۶}
 «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا»^{۲۷}

روشن است که تخصیص قرآن با خبر واحد غیر معتبر امکان ندارد و شک در عمویت

۲۳. اختلاف نسخه تصحیح سید جلال الدین تهرانی (تاریخ قم، ص ۲۶۰).

۲۴. این روایت از کتاب تاریخ قم تألیف حسن بن محمد حسن از جمله فقها و علمای قرن چهارم هجری است. وی طبق تصریح شیخ طوسی از ثقات و علمای بزرگ است (م ۳۷۸ ق). او روایات مربوط به فضایل قم را تقریباً به صورت کامل با سند و گاهی بی سند در کتاب خود ذکر کرده است؛ اما به گفته خود وی بخشی از روایات او برگرفته از افواه مردم است. و حسن بن علی بن حسین بابویه قمی جزو مصادر شفاهی وی بوده است (تاریخ قم، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، ص ۴۸). علت اعتماد مجلسی و عاملی به روایات ایشان احتمالاً یکی پنداشتن حسن بن علی بن بابویه با حسین بن علی بن بابویه بوده است.

۲۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ رَفَعَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَخِي يَتَعَدَّدُ وَأَخَافُ أَنْ يَمُوتَ بِهَا. فَقَالَ: مَا تُبَالِي حَيْثُمَا مَاتَ، أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَعَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَهُ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ. فَقُلْتُ لَهُ: وَأَيْنَ وَادِي السَّلَامِ؟ قَالَ: ظَهَرَ الْكُوفَةَ، أَمَا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ خَلَقْتُ قُعُودًا يَتَخَدَّتُونَ (بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۶۸). شاید چون غلات قمی دوست نداشتند در کوفه محشر شوند، ارواح آنها بدون این که در کوفه حاضر شوند، مستقیماً وارد بهشت می‌شود.

۲۶. ترجمه: و هیچ یک از شما نیست که وارد جهنم نشود [هرچند گذرا و شتابان]، و این حکمی است حتمی از جانب پروردگارتو (سوره مریم، آیه ۷۷).

۲۷. ترجمه: روزی که در صور دمیده شود و شما فوج فوج بیابید (سوره نبأ، آیه ۱۸).

خبر قطعی به واسطه خبر ضعیف چیزی را ثابت نمی‌کند.^{۲۸}

۳) در روایت اشاره به این موضوع دارد که پیامبر خدا در شب معراج از سرزمین قم عبور کرد و در آنجا شیطان را دید و به او فرمان داد برخیز؛ در حالی که این حکایت با آیه اول سوره اسرا منافات دارد که مسیر حرکت را از مکه به مسجد الاقصی ترسیم نموده است. خداوند می‌فرماید:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى».^{۲۹}

مسیری که اصلاً شخص به قم نزدیک نمی‌شود، بلکه از آن دورتر هم می‌شود. اگر روایت در باره اسرا نیز نباشد، با آیه «ان عبادی لیس لک علیهم سلطاناً» سازگاری ندارد؛ چون که اگر مردم قم مؤمن باشند، نیازی به صدور این نهی از جانب پیامبر نیست. ۴) مهم‌ترین که در بخش پایانی این روایت، سخن از مرجئه یا مزجیه میان آمده است که با توجه به تاریخ فرق و مذاهب می‌تواند قرینه‌ای بر جعلی بودن این روایت باشد.^{۳۰}

۵) این روایت با قراین تاریخی وجه تسمیه قم سازگاری ندارد؛ چرا که در منابع تاریخی و از جمله در خود این کتاب علت تسمیه را مضمونی دانسته‌اند:

قم در ابتدا کم بوده و سراسر این جلگه را کم می‌گفتند و دیه‌ها که هریک نام مخصوصی داشتند دیه‌ها کم بوده است تا آن زمان که شهری در آن بنا نهادند و آن را به همان نام خود کم نامیدند و چون اشعریون عرب بودند، شیوه ایشان تعریب و تصرف در صورت الفاظ بیگانه است، کاف را به قاف تبدیل نمودند.^{۳۱}

۶) این روایت حتی فاقد یک متن عربی است و علامه مجلسی که اکثر روایات تاریخ قم را در بحار الانوار آورده، این روایت را در کتاب خود ذکر نکرده است.^{۳۲}

ب. روایاتی که مربوط به آخر الزمان است و اهل قم را به عنوان یاران امام زمان علیه السلام و

۲۸. هدایة المسترشدين، ص ۴۰.

۲۹. سوره اسراء، آیه ۱.

۳۰. مرجئه فرقه‌ای از خوارج است که بعد از حکومت حضرت علی علیه السلام به وجود آمدند (الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۳۹).

۳۱. راهنمای قم، به نقل از ذکر اخبار دارالایمان قم، ص ۶۰.

۳۲. این روایت را با روایت ذیل که می‌گوید پیامبر در شب معراج از بیت المقدس باز می‌گشت و... مقایسه کنید. به نظر شما آیا امکان ندارد روایت مذکور در مقابل این روایت ساخته شده باشد؟ لَقَدْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَيْثُ انْطَلَقَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَى الْبُرَاقِ، فَلَمَّا انْتَهَى بِهِ إِلَى وَادِي السَّلَامِ، وَهُوَ ظَهْرُ الْكُوفَةِ، وَهُوَ يُرِيدُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ قَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ! هَذَا مَسْجِدُ أَبِيكَ آدَمَ عليه السلام وَمُصَلَّى الْأَنْبِيَاءِ، فَانزِلْ، فَصَلِّ فِيهِ، فَزَلَّ رَسُولُ اللَّهِ، فَصَلَّى ثُمَّ انْطَلَقَ بِهِ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ، فَصَلَّى، ثُمَّ إِنَّ جَبْرَائِيلَ عليه السلام عَرَّجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ (بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۴).

حجت خدا بر روی زمین معرفی می‌نماید. اگر چه این اخبار معارض عقلی و نقلی ندارد، لیکن عموماً دارای اسناد ضعیف و غیر قابل اعتماد است و همان طور که در مباحث علامات احادیث جعلی بیان شده است، یکی از بسترهای اخبار جعلی، اخبار آخر الزمان است؛ چون سنجش صحت و سقم این روایات در بستر واقعیات و وقایع تاریخ - که هنوز نیامده‌اند و به تاریخ دور دستی در آینده موکول شده‌اند - عملاً ناممکن است؛ امری که به دروغ پردازان فرصت می‌دهد در این عرصه خبرهای ساختگی جعل کنند و عرضه دارند.

۱. وفي خطبة الملاحم لأمير المؤمنين عليه السلام التي خطب بها بعد وقعة الجمل بالبصرة قال: يخرج الحسنی صاحب طبرستان مع جم كثير من خيله ورجله حتى يأتي نيسابور فيفتحها و يقسم أبوابها ثم يأتي إصمهان، ثم إلى قم، فيقع بينه وبين أهل قم وقعة عظيمة يقتل فيها خلق كثير فينهزم أهل قم، فينهب الحسنی أموالهم ويسي ذراريهم و نساءهم و يخرب دورهم، فيفزع أهل قم إلى جبل يقال لها «ورادها»^{۳۳} فيقيم الحسنی بلدهم أربعين يوماً، و يقتل منهم عشرين رجلاً، و يصلب منهم رجلين ثم يرحل عنهم.^{۳۴ و ۳۵}

بررسی سند روایت

(۱) روایت فوق مرسل است.

(۲) این روایت در نهج البلاغه و در مستدرکات آن نیز وجود ندارد و در بین مجامیع حدیثی فقط در بحار الانوار به چشم می‌خورد.^{۳۶}

بررسی متن روایت

(۱) این روایت با سایر روایاتی که سید حسنی را شخص مثبتی معرفی می‌کند، سازگار نیست؛ چرا که مردم قم بر اساس همین روایات مردمی مغفور و عالم و عابد بودند. پس قتل عام آنها چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

(۲) این روایت با روایاتی که مردم قم را ایمن از بلا معرفی می‌کند، سازگاری ندارد.

در کتاب اخبار البلدان ابن الفقیه همدانی روایتی آمده که در منابع بعدی همین مضمون

۳۳. این نام کوهی در اطراف قم است و در خطبه‌ای دیگر، امام رضا علیه السلام فرمود: نعم الموضوع، و رادها.

۳۴. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱.

۳۵. این روایت می‌گوید: سید حسنی به شهر قم حمله می‌کند و با مردم قم می‌جنگد و عده‌ای از آنها را قتل عام می‌کند.

۳۶. اما مشابه این روایت - که محل ظهور امام زمان را قم معرفی می‌کند - در کتاب خلاصه البلدان به نقل از مؤسس الحزین

شیخ صدوق روایتی نقل شده که در باره آن سخن خواهیم گفت.

تکرار شده است.

روی ابو موسی اشعری قال: سألت علی بن ابی طالب -رضی الله عنه - عن اسلم المدن و خیر الموضع عند نزول الفتنة و اظهار السیف، فقال: اسلم الموضع یومئذ ارض الجبل، فاذا اضطربت بخراسان و وقعت الحرب بین جرجان و طبرستان فاسلم الموضع یومئذ قصبه قم تلك التي یخرج منها انصار خیر الناس ابا و اما و جدأ و جدأ و عمأ و عمأ تلك التي تسمى الزهراء بها قدم جبرئیل یوم نزل الی قوم لوط و هو الموضع الذي نبع منه الماء الذي من شرب منه امن الداء و من ذلك المآجن المسیح الطیر الذي یعمل منه كهیئة الطیر و منه یغتسل المهدي و منه خرج كبش ابراهیم عليه السلام و عصاء موسی و خاتم سلیمان و هی اعظم المدن شأناً و اکبرها سلطاناً فیہ الامن و الخصب و العز و الظفر.^{۳۷}

همین روایت در کتاب های بعدی با اضافاتی وجود دارد که ساخته و پرداخته خیال مؤلفان آن است؛ مانند: زمین ها در قم به حدی گران خواهد شد که زمینی به مساحت پوست گاوی پانصد دینار به فروش می رسد.^{۳۸}

جای این پرسش باقی است که چرا نگین انگشتر سلیمان، گل خلق پرندگان توسط عیسی عليه السلام چوب عصای موسی، آب غسل حضرت مهدی عليه السلام و... از قم تهیه می شود. نگاهی به منازعات بین غلات کوفه و قم شاید بتواند پاسخ درستی برای همه این فضایل عجیب و غریب داشته باشد.

۳) از همه مهم تر باید از خود پرسید که گفتن این سخنان در حال رفتن یا بازگشتن از جنگ جمل برای عامه مردم و در یک خطبه چه مفهومی می تواند داشته باشد؛ مردمی که نه قم را می شناسند، نه جبل «ورادها»، نه سید حسنی را؟ حال اگر این سخنان در جمعی خصوصی بیان می شد، شاید بیان حقایق برای اهل معرفت بود، لیکن ضمن یک خطبه

۳۷. اخبار البلدان، ص ۱۳۷. این کتاب جزو منابع دست اول روایات فضایل قم است و معمولاً نام ابن الفقیه همدانی در آغاز روایات زیادی از روایات فضایل قم می آید. بنا بر این، بررسی شرح حال مؤلف و کتاب وی مهم و ضروری است. ابن الفقیه (م ۲۸۰ق) ادیب و جغرافیدان بی دقتی است که حتی در مباحث جغرافیایی افسانه ها و خطاهای بزرگی دیده می شود. در باره زندگانی وی اطلاع دقیقی در دست نیست (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۱۱؛ اثر آفرینان، ج ۱، ص ۱۳۳). وی شخصیتی روایی ندارد، اما در کتاب اخبار البلدان وی روایت های زیادی در باره فضایل و مثالب شهرهایی چون بغداد، بصره، کوفه، همدان، اهواز، ... وجود دارد. و البته اطلاعات تاریخی مفیدی از اماکن و رویدادها نیز در این کتاب وجود دارد. در واقع، وی الگوی کار خود را از کتاب جاحظ گرفته است (همان). ابن ندیم می گوید اثر دیگری برای او نمی شناسد (فهرست ابن ندیم، ص ۱۷۱). حاجی خلیفه وی را صاحب تعادل نمی داند (کشف الظنون، ص ۱۶۶۵).

۳۸. تاریخ قم (ناصر الشریعه، ص ۵۳).

عمومی در جمع مردم بصره که از امام علیه السلام شکست خورده و عموماً دشمن اویند و با آن حضرت جنگیده‌اند، منطقی و مقبول نمی‌نماید.

۲. وعن علی بن عیسی، عن ایوب بن یحیی الجندل، عن أبی الحسن الأول علیه السلام قال: رجل من أهل قم یدعوا الناس إلى الحق، یجتمع معه قوم کزبر الحدید، لاتزلهم الریاح العواصف، ولا یملون من الحرب، ولا یجبنون، وعلی الله یتوکلون، والعاقبة للمتقین...^{۳۹}

بررسی سند روایت

(۱) علی بن عیسی در میان ده نفر مشترک^{۴۰} است.
 (۲) ایوب بن یحیی الجندل مجهول است.
 (۳) سند این روایت غریب است و فقط در بحار الانوار دیده شد. و آن نیز روایت را از کتاب تاریخ قم گرفته است.

۳. ویاسناده عن عفان البصری، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: قال لی: أتدری لم سمی قم؟ قلت: الله ورسوله وأنت أعلم. قال: إنما سمی قم لأن أهله یجتمعون مع قائم آل محمد - صلوات الله علیه - ویقومون معه ویستقیمون علیه وینصرونه.^{۴۱}

بررسی سند روایت

(۱) عفان البصری مجهول است.
 (۲) سند روایت منقطع و غریب است. انقطاع به خاطر آن است که سلسله سند قبل از صحابی موجود نیست و غریب است؛ چون متن روایت تنها در بحار الانوار آمده و وی نیز این روایت را چونان روایات قبلی از تاریخ قم گرفته است. این روایت در منابع
 ۳۹. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۱۱-۲۱۶. در این روایت امام می‌فرماید: مردی از قم مردم را به حق می‌خواند و جمعی را گرد می‌آورد که بسیار مقاوم و جنگجو هستند و اعتماد و توکل بر خداوند دارند.
 ۴۰. وهو ما کان احد رجاله او اکثرها مشترکاً بین الثقة و غیر الثقة (اصول الحدیث، ج ۸۹).
 ۴۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱-۲۱۶ این روایت را نویسنده کتاب مسجد مقدس جمکران به این شکل در کتاب خود آورده است: حضرت امیر علیه السلام در اول این حدیث فرمودند: ای پسر یمانی، او ظهور و خروج نماید از شهری که آن را قم گویند (مسجد مقدس جمکران قم، ص ۲۱؛ ترمیتیکا قم، ص ۹۶) و آن را منقول از مونس الحزین شیخ صدوق می‌داند؛ در حالی که این روایت اصلاً در کتاب خلاصة البلدان وارد نشده است. شاید وی حسین بن علی بن بابویه صدوق را شیخ صدوق تصور کرده، چرا که با رجوع به کتب تراجم چنین اثری برای شیخ صدوق ذکر نشده است.

دیگر وارد نشده است، دلیل آن این بوده که برادر میانی شیخ صدوق این روایات را تنها برای حسن بن محمد سائب اشعری قمی روایت کرده و وی راوی به شمار نمی‌آمده است.

بررسی متن روایت

(۱) این روایت، چنان که در روایات قبلی هم بیان شد، با وجه تسمیه واقعی قم منافات دارد.

(۲) توجه به علل و انگیزه جعل روایت علت وجود چنین روایاتی را می‌تواند به خوبی توجیه کند؛ روایاتی که اسناد آنها غریب است و متن آنها در هیچ یک از جوامع حدیثی متقدم و یا اصول مشهور و معتبر وارد نشده است؛ روایاتی که فقط در کتابی آمده است که حداقل دو قرن مفقود بوده^{۴۲} و هیچ اطلاعی از آن در دست نبوده است؛ کتابی که حتی متن عربی روایات در آن نیست. چگونه می‌توان به این روایات اعتماد کرد، حال آن که می‌دانیم در روایات محل وقوع اکثر اخبار آخر الزمان و اتفاقات مهم، شهر کوفه معرفی شده است،^{۴۳} نیز می‌دانیم که در برهه‌ای از تاریخ بین این دو شهر (قم و کوفه) منازعاتی وجود داشته و در این زمان غالیان و دروغپردازان از بافتن هر یاوه‌ای ابا نداشتند و در برابر اکثر روایاتی که در فضیلت قم آمده است، می‌توان روایتی برای کوفه یافت. این‌ها همه بدبینی به این نوع روایات را تشدید می‌کند؛ در این حال، چگونه از نسبت دادن این سخنان به ائمه معصوم علیهم‌السلام و ائمه‌ای نداشتند باشیم.

۴. وعن علی بن عیسی، عن علی بن محمد الربیع، عن صفوان بن یحیی بیاع السابری قال: كنت يوماً عند أبي الحسن علیه‌السلام فجری ذکر قم وأهله ومیلهم إلی المهدی علیه‌السلام فترحم علیهم وقال: رضی الله عنهم. ثم قال: إن للجنة ثمانية أبواب وواحد منها لأهل قم، وهم خيار شیعتنا من بین سائر البلاد، خمر الله تعالی ولایتنا فی طینتهم.^{۴۴}

۴۲. مراد، همان کتاب تاریخ قم است.

۴۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱-۳۹.

۴۴. رک. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱-۲۱۶ این روایت پس از آن که امام کاظم علیه‌السلام بر مردم قم بخاطر تبعیت شان از مهدی علیه‌السلام رحمت می‌فرستند سپس امام می‌فرماید بهشت هشت در دارد که یکی از این درها از آن قمی‌ها است و این‌ها برگزیدگان امت هستند و خدا گل ایشان را با ولایت اهل بیت علیهم‌السلام سرشته است.

بررسی سند روایت

۱) علی بن عیسی و علی بن محمد الربیع مشترک‌اند.^{۴۵}
 ۲) سند این روایت با هیچ کدام از طرق این راویان (علی بن عیسی، علی بن محمد الربیع، صفوان بن یحیی بیاع سابری) انطباق ندارد. بنا براین، این طریق غریب است و چنین طریقی تنها در بحار الانوار یافت شد. و او نیز این روایت را چونان روایات گذشته از تاریخ قم گرفته است.

بررسی متن روایت

۱) در باره درهای بهشت، در روایات، اوصاف متعددی وجود دارد؛ برخی آن را به تعداد اعمال نیک مثل روزه، نماز، وضو یا مراتب عرفانی صبر، رضا، شکر، ...^{۴۶} و برخی آن را بر طبق اصناف مختلف صالحان، انبیا، شهدا، صدیقان، ...^{۴۷} شناسایی می‌کنند. در این بین، روایات محدودی وجود دارد که آن را طبق شهرها تقسیم بندی کرده‌اند؛ قمی‌ها، قزوینی‌ها، همدانی‌ها، اهوازی‌ها، ...^{۴۸}

۲) این روایت با روایت دیگری که سه در از درهای بهشت را از آن قمی‌ها می‌داند، سازگار نیست.^{۴۹}

۳) باید توجه داشت انبیا و صدیقان با هم از یک در و شهدا و صالحان نیز از یک در وارد می‌شوند؛ اما قمی‌ها سه در یا یک در انحصاری دارند.

۴) در روایت دیگر آمده است که هر کس خویشتن را از گناهان باز دارد و به تکالیف خویش عمل نماید و محبت خاندان اهل بیت علیهم‌السلام را در دل پیورود، از هر دری از درهای بهشت که بخواهد، می‌تواند وارد شود. به نظر می‌رسد این روایت با مفهوم انحصاری درهای بهشت برای گروه‌های مختلف چندان سازگار نیست.

ج. روایاتی که اگر با روایات مرتبط مقایسه شوند، احتمال می‌رود که اصل یا حداقل بخشی از آنها در زمان‌های بعد ساخته شده و به روایت افزوده شده است؛ در هر کدام از

۴۵. حدیثی که راویان آن همه یا یکی از آنها بین دو یا چند نفر ثقه مشترک باشند. (اصول حدیث، ص ۸۱).

۴۶. رک. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۰؛ ج ۹۳، ص ۲۵۶.

۴۷. رک. همان، ج ۶۹، ص ۱۵۸؛ ج ۹۷، ص ۸.

۴۸. رک: همان، ج ۵۷، ص ۲۲۹.

۴۹. همان، ج ۵۷، ص ۲۹۷. این روایت مرسل است.

روایات، ذیل تنها محل امن در زمان بلایا و فتن شهر قم و کوفه معرفی شده است: ۵۰

۱. و عن یعقوب بن یزید، عن أبی الحسن الکرخی، عن سلیمان بن صالح قال: کنا ذات یوم عند أبی عبد الله علیه السلام فذکرقتن بنی عباس وما یصیب الناس منهم، فقلنا: جعلنا فداک! فأین المفرغ والمفرقی ذلك الزمان؟ فقال: إلی الکوفة وحوالیها. ۵۱

۲. و عنه علیه السلام قال: إذا عمت البلدان الفتن والبلایا، فعلیکم بقم وحوالیها ونواحیها، فإن البلایا مدفوع عنها. ۵۲

۳. و یأسناده عن عبد الواحد البصری، عن أبی وائل، عن عبد الله اللیثی، عن ثابت البنانی، عن أنس بن مالک قال: کنت ذات یوم جالساً عند النبی صلی الله علیه و آله إذ دخل علیه علی بن أبی طالب علیه السلام فقال صلی الله علیه و آله: إلی یا أبا الحسن، ثم اعتنقه وقبل [ما] بین عینیهِ و قال: یا علی! إن الله عزاسمه عرض ولایتک علی السماوات، فسبقت إلیها السماء

۵۰. *عیون الاخبار الرضا*: عن محمد بن عمر بن سالم، عن الحسن بن عبد الله بن محمد الرازی التمیمی، عن أبیه، عن الرضا، عن آبائه علیهم السلام قال: ذکر علی علیه السلام الکوفة، فقال: یدفع البلاء عنها كما یدفع عن أخبیه النبی صلی الله علیه و آله، وفي نهج البلاغة: عنه علیه السلام قال: کأنی بک یا کوفة تمدین مد الأذیم العکاظی، ترکیب بالنوازل، و ترکیب الزلازل وانی لأعلم أنه ما أراد بک جبار سوء إلا ابتلاه الله بشاغل، ورمه بقاتل؛ عن محمد بن سهل بن یسع، عن أبیه، عن جده، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: إذا فقد الامن من البلاد، وركب الناس علی الخیول، واعتزلوا النساء والطیب، فالهرب الهرب قلت: جعلت فداک! إلی أین؟ قال: إلی الکوفة ونواحیها (این روایات بیان گرامن بودن کوفه در هنگام ناامنی هاست و این که بلا ی بدخواهان به خواست خدا به کوفیان نمی رسد؛ همان طور که روایت مشابهی برای قم وجود داشت). السید الرضی فی *الخصائص*: عن امیر المؤمنین علیه السلام أنه قال فی مدح الکوفة: یا کوفة! ما أطیبک وأطیب ریحک! (مشابه این روایت، و روایاتی است که برای قمی ها واژه طوبی لهم را تکرار می کنند) (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶). بررسی صحت و سقم این روایات مستلزم مقاله ای مجزاست، اما هدف ما از ذکر این روایات نشان دادن رقابت موجود بین کوفه و قم است؛ همان طور که قبلاً نیز اشاره کردیم.

۵۱. مستدرک الوسائل، روایت ۱۱۸۶۳.

۵۲. *بحار الانوار*، ج ۵۷، ص ۲۱۱-۲۱۶. این روایت به سه سند در *بحار الانوار* آمده است:

و عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب، عن أبی جمیلة المفضل ابن صالح، عن رجل، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: إذا عمت البلدان الفتن فعلیکم بقم وحوالیها ونواحیها، فإن البلاء مدفوع عنها (همان، ج ۵۷، ص ۲۱۴). این روایت بدون ذکر سند و مرسل آمده است.

و روی مرفوعاً إلی محمد بن یعقوب (همان، ج ۵۷، ص ۲۱۷). این روایت اگر چه از طریق کلینی نقل شده، اما در *الکافی* وجود ندارد و باز هم مرسل است.

و عن سعد بن سعد عن الرضا علیه السلام قال: إذا عمت البلدان الفتن والبلایا فعلیکم بقم وحوالیها ونواحیها، فإن البلایا مدفوع عنها. این روایت نیز مرسل است (همان، ج ۵۷، ص ۲۲۸).

مسأله قابل ذکر، این است که این روایت را علامه مجلسی از کتاب *تاریخ قم* ذکر کرده، اما به سند آن اشاره ای نکرده و این روایت در هیچ یک از جوامع حدیثی قبلی ذکر نشده است. شاید علت عدم اشاره مجلسی به سند به آن جهت باشد که بر خواننده روشن می شود که اکثر روایات وی از تاریخ قم است و تمامی این اسناد منقول از *تاریخ قم* است (تاریخ قم، ص ۹۵-۱۰۰) و این ترجمه عربی روایاتی است که در اصل رسیده به دست علامه مجلسی فارسی بوده است.

السابعة فزينها بالعرش، ثم سبقت إليها السماء الرابعة فزينها بالبيت المعمور، ثم سبقت إليها السماء الدنيا فزينها بالكواكب، ثم عرضها على الأرضين فسبقت إليها مكة فزينها بالكعبة، ثم سبقت إليها المدينة فزينها بى، ثم سبقت إليها الكوفة فزينها بك، ثم سبق إليها قم فزينها بالعرب وفتح إليه باباً من أبواب الجنة.^{٥٣}

بررسی سند روایت

(١) عامر الأحول ویا همان ابن عبد الواحد بصرى، أحمد بن حنبل در باره او گفته است: عامر الأحول ليس بقوى وضعيف فى الحديث.^{٥٤}

(٢) ثابت بن اسلم البنانى: شيخ اورا در رجالش تضعيف نموده است، اما ابن حجر وى را توثيق نموده است.^{٥٥}

(٣) عبد الله ليشى مجهول است.^{٥٦}

(٤) انس بن مالك از كسانى است كه حديث غدیر را كتمان كرد و امام على عليه السلام اورا نفرین نمود. بنا بر این، عدالت وى مخدوش است. و بنا بر دیدگاه صحابه چون از صحابه است عدالتش محرز است.^{٥٧}

(٥) عبد الواحد بصرى نیز ظاهراً طریقى به انس بن مالك ندارد.

(٦) این روایت نیز از كتاب تاریخ قم و از منقولات شفاهى است كه حسن بن محمد سائب از برادر میانى صدوق از سعد بن عبدالله ابى خلف بى واسطه روایت کرده كه با هم حدود يك قرن فاصله دارد.

بررسی متن روایت

در روایت اخير بخش «ثم سبق إليها قم فزينها بالعرب وفتح إليه باباً من أبواب الجنة»، به روایت اضافه شده است.

٤. از همین نوع است، روایاتی كه قم را كوفه كوچك معرفی می كند و یا مقرر حكومتی

٥٣. بحار الانوار، ج ٥٧، ص ٢١١-٢١٦؛ نیز ترك: مستدرک الوسائل، روایت ١١٨٥٨ كه فاقد بخش اخير روایت در باره قم و عبارت بعد از آن است.

٥٤. الجرح والتعديل، ج ٦، ص ٢٣٦؛ تهذيب التهذيب، ج ٥، ص ٦٧.

٥٥. معجم رجال الحديث، ج ٢، ص ٧٨.

٥٦. مستدرک الرجال، تنقيح المقال، رجال الكشي، الفهرست (نجاشي)، الفهرست (طوسي)، رجال الطوسي، معجم رجال الحديث، تنقيح المقال، رجال البرقي، رجال ابن الغضائري، رجال ابن داود، خلاصة الاقوال، منتهى المقال.

٥٧. معجم رجال الحديث، ج ٣، ص ٢٤١.

امام زمان علیه السلام در کنار کوفه معرفی می‌کند:

وعن جماعة من أهل الری، أنهم دخلوا علی أبی عبد الله علیه السلام، إلى أن قالوا: فقال علیه السلام:
إن لله حرماً وهو مكة، وإن للرسول صلی الله علیه و آله حرماً وهو المدينة، وإن لأمیر المؤمنین علیه السلام حرماً و
هو الكوفة، وإن لنا حرماً وهو بلدة قم.^{۵۸}

چنین به نظر می‌رسد که فضیلت تراشان برای شهر قم فضیلتی تراشیده و به روایت
چسبانیده‌اند.

بررسی تاریخ حدیث، وجود نوعی رقابت بین مکتب روایی قم را با مکتب روایی کوفه
در برهه‌ای از تاریخ تأیید می‌کند؛ زمانی که قمی‌ها روایات کوفه را رد می‌کردند و نقل روایت
از کوفیون را دال بر ذم راوی و روایت ایشان را مشتمل بر غلو می‌دانستند. شاید همین
مسئله در قرن سوم و چهارم هجری باعث ورود این دست روایات به کتب حدیث شده
باشد. نمونه دیگری از این روایات - که تقابل بین کوفه و قم را نشان می‌دهد - به این شرح
است:

۵. وعن محمد بن قتیبة الهمدانی والحسن بن علی الكشمارجانی، عن علی ابن
النعمان، عن أبی الأكراد علی بن ميمون الصائغ، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: إن الله
احتج بالكوفة علی سائر البلاد وبالمؤمنین من أهلها علی غیرهم من أهل البلاد، و
احتج ببلدة قم علی سائر البلاد، وأهلها علی جمیع أهل المشرق والمغرب من الجن و
الإنس، ولم يدع الله قم وأهله مستضعفاً، بل وفقهم وأيدهم. ثم قال: إن الدين وأهله
بقم ذلیل، ولولا ذلك لأسرع الناس إليه فخرّب قم وبطل أهله، فلم يكن حجّة علی
سائر البلاد، وإذا كان كذلك لم تستقر السماء والأرض، ولم ينظروا طرفة عین وإن
البلايا مدفوعة عن قم وأهله، وسيأتي زمان تكون بلدة قم وأهلها حجّة علی
الخالق، وذلك فی زمان غيبة قائمنا علیه السلام إلى ظهوره ولولا ذلك لساخت الأرض بأهلها،
وإن الملائكة لتدفع البلايا عن قم وأهله، وما قصده جبار بسوء إلا قصمه قاصم
الجبارین، وشغله عنهم بدهاية أو مصيبة أو عدو، ونسى الله الجبارین فی دولتهم ذكر
قم وأهله كما نسوا ذكر الله.^{۵۹}

این روایت به اخبار آخر الزمان نیز مربوط است.

۵۸. مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

۵۹. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱-۲۱۶. در این روایت چنین به امام نسبت داده‌اند که فرمود: خداوند کوفه را حجت بر بلاد
مسلمین و قم را حجتی بر شرق و غرب عالم قرار داد و علت ضعف مردم قم آن است که به این واسطه از نابودی
حفظ شود و قم قدرت خود را در زمان حکومت امام زمان علیه السلام به دست می‌آورد.

بررسی سند روایت

۱) سند روایت غریب است و این متن تنها به این سند در کتب روایی نقل شده است.
 ۲) محمد بن قتیبه همدانی مجهول است و برای او هیچ طریقی به علی بن نعمان وجود ندارد.^{۶۰}

۳) علی بن نعمان مشترک بین سه نفر جعفری، نخعی و رازی است که دو نفر مهممل هستند و نفر اول ثقه و از اصحاب امام رضا علیه السلام است و روایت وی از ابی الاکراد باید با واسطه باشد، چرا که ابی الاکراد از صحابه امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام است^{۶۱} و بعید است که صحابه امام رضا علیه السلام به تنهایی این صحابی پیر صادقین علیهم السلام را درک کرده باشد.

۴) متن و سند این روایت از کتاب تاریخ قم گرفته شده است.
 ارزیابی کلی سند: راوی اول و دوم مجهول، راوی دوم مشترک بین یک ثقه و دو نفر مهممل، راوی سوم حسن است.^{۶۲} بنا بر این، سند ضعیف و غیر قابل اعتماد است.

بررسی متن روایت

۱) روایت فوق همه بلایا را از قم دفع شده دانسته است؛ در حالی که در سال ۱۳۱۳ سیل مهیبی به طرف قم سرازیر شد و خرابی های فراوانی از خود برجا گذاشت.^{۶۳} و یا قحطی شدیدی در سال ۱۲۸۸ق، در قم که حتی چندین گزارش از آدمخواری در این شهر وجود دارد.^{۶۴} در سال ۱۳۸۸ش، سیلی در قم سرازیر شد که بر اثر آن، چهار نفر کشته، سه نفر مفقود، پانصد واحد مسکونی تخریب شد و...^{۶۵} و مصادیق فراوانی از بلایای طبیعی و اجتماعی می توان برای قم بر شمرد که ما هم اکنون در پی آن نیستیم.
 ۲) این روایت قم را حجت خدا روی زمین دانسته است که در باره مخالفت این سخن با سنت و قرآن ذیل روایت بعدی سخن خواهیم گفت.
 ۳) در این روایت خداوند مردم کوفه را - که امام علی علیه السلام نیز جزو ایشان بود، بر مردم

۶۰. معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۳۵۴-۳۶۵.

۶۱. مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۴۹۰-۴۹۲.

۶۲. تنقیح المقال، ج ۱، باب العین.

۶۳. تاریخ قم موسوم بمختار البلاد، ص ۱۹.

۶۴. قم در قحطی بزرگ، ص ۸۱.

۶۵. روزنامه فردا، ۱۷ فروردین ۱۳۸۸، ص ۱.

سایر بلاد برتری داد، اما مردم قم را بر تمام عوالم انس و جن.

۴) این روایت از یک طرف می‌گوید که خداوند مردم قم را رها نمی‌کند و از طرف دیگر می‌گوید دین و اهل قم در این شهر ذلیل‌اند. دقت کنید که مفهوم ذلت با ضعف مغایر است.

۵) در این روایت آمده است که ملائکه بلا و ظلم ظالمان را از اهل قم باز می‌گردانند و نمی‌گذارند آسیبی به مردم قم برسد، در حالی که در دوران دفاع مقدس شهر قم شاهد بمباران‌های بسیاری بود و تعداد زیادی از مردم شهید شدند. آیا این افراد مصداق همان افرادی نیستند که ملائکه باید از ایشان در برابر جباران حمایت کنند.

۶) در این روایت آمده است که خداوند یاد و خاطره قمی‌ها را از ذهن دشمنان اسلام پاک می‌کند؛ همان طور که ایشان خدا را فراموش کردند تا نتوانند به قم آسیبی برسانند. این در حالی است که دشمنان اسلام در عصر حاضر لحظه‌ای از مخالفت و معاندت با حوزه‌های علمیه بویژه حوزه علمیه قم غافل نیستند. و حتی به باور برخی، افرادی را به بهانه‌های مختلف و برای جاسوسی به قم می‌فرستند.

۶. و روی بأسانید عن الصادق عليه السلام أنه ذكر كوفة وقال: ستخلو كوفة من المؤمنين ويأزر عنها العلم كما تأزر الحية في جحرها، ثم يظهر العلم ببلدة يقال لها قم، وتصير معدناً للعلم والفضل حتى لا يبقى في الأرض مستضعف في الدين حتى المخدرات في الحجال، و ذلك عند قرب ظهور قائمنا، فيجعل الله قم وأهله قائمين مقام الحجة، ولولا ذلك لساخت الأرض بأهلها ولم يبق في الأرض حجة، فيفيض العلم منه إلى سائر البلاد في المشرق و المغرب، فيتم حجة الله على الخلق حتى لا يبقى أحد على الأرض لم يبلغ إليه الدين و العلم، ثم يظهر القائم عليه السلام و يسير سبباً لنقمة الله و سخطه على العباد، لأن الله لا ينتقم من العباد إلا بعد إنكارهم حجة. ^{۶۶}

بررسی سند روایت

۱) سند این روایت همان سند روایت قبلی است و ضمیر مستتر هو در «قال»، به

۶۶. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱-۲۱۶. این روایت در مقام بیان این نکته است که کوفه به تدریج جایگاه علمی خود را از دست خواهد داد و این جایگاه به قم منتقل خواهد شد و قم و قمیان به عنوان حجت خدا جانشین امام زمان خواهند شد و مردم ملزم به تبعیت از این حجج الهی هستند و اگر قم از بین برود، هستی از بین خواهد رفت؛ چرا که قم پایه و محور خلقت است.

صاحب کتاب تاریخ قم بر می‌گردد که علامه مجلسی از وی نقل می‌کند و ضمیر مستتر هو در «روی» به برادر میانی شیخ صدوق برمی‌گردد و مرادش از اسانید، همان سند روایت قبل است.^{۶۷}

(۲) بنا بر این، این سند نیز دارای همان جهات ضعف در سند قبلی است.

بررسی متن روایت

(۱) در این روایت، تقابل بین کوفیان و قمی‌ها مشهود است و روایت می‌گوید که کوفه مرکزیت علمی خود را از دست خواهد داد و این مرکزیت به قم منتقل خواهد شد و قم حجت خدا بر روی زمین خواهد بود و اگر قم نباشد، هر آینه زمین مردم را فرو می‌خورد و آن قدر پیش می‌رود که انکار حجت بودن قم باعث عذاب و نقیمت است و قم را در جایگاه ولی خدا قرار می‌دهد.

(۲) بررسی مفهوم حجت و حجیت - که در دو روایت پیشین مطرح شد - مسأله مهمی است که واکاوی آن امری ضروری است. در *لسان‌العرب* تحت واژه *الحُجَّة* چنین می‌خوانیم: *البُرْهَانُ؛ وَقِيلَ: الْحُجَّةُ مَا دُوِّعَ بِهِ الْخِصْمُ؛ وَقَالَ الْأَزْهَرِيُّ: الْحُجَّةُ الْوَجْهُ الَّذِي يَكُونُ بِهِ الظَّفَرُ عِنْدَ الْخِصْمَةِ.*^{۶۸}

(۳) نگاهی به کاربرد قرآنی و روایی حجه آن را دلیل قطعی و غیر قابل خدشه‌ای معرفی می‌کند که تبعیت از آن لازم است و تخطی از آن مستوجب عذاب است:

لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ.^{۶۹}

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ.^{۷۰}

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ.^{۷۱}

بنا بر این، حجت در قرآن تنها در باره معجزات، کتب آسمانی، پیامبران، براهین قطعی به کار رفته است.

۶۷. تاریخ قم، ص ۲۶۸.

۶۸. *لسان‌العرب*، ج ۳، ص ۹.

۶۹. ترجمه: تا این که برای مردم بر شما حجتی باشد (سوره بقره، آیه ۱۵۰).

۷۰. ترجمه: بگو خداوند بر شما گواه روشنی دارد و اگر بخواهد همه شما را هدایت می‌کند (سوره نساء، آیه ۱۶۰).

۷۱. ترجمه: بگو: «برهان رسا و بی‌وه خداست، و اگر [خدا] می‌خواست قطعاً همه شما را هدایت می‌کرد» (سوره انعام، آیه ۱۴۹).

۴) در روایات نیز از حجه به معنای دلایل عقلی و پیامبران یاد شده است:

قال ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام: يَا هِشَامُ! إِنَّ لَهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأُمَّةُ.^{۷۲}

به نظر می‌رسد نسبت دادن حجیت به یک شهر و یا مردم یک شهر امری پیچیده و دور از ذهن باشد که برای توجیه آن باید دست به دامن مجاز و تأویل خاص شد و با توجه به کاربرد لغوی حجه در قرآن و روایات متوجه می‌شویم که محدوده حجج الهی مصادیق اندکی است که شامل قرآن، سنت، براهین عقلی، ... است. و نمی‌توان یک شهر را - که دارای قدرت ناطقه نیست - و یا مردم یک شهر و حتی علمای یک شهر را - که گروهی غیر معصوم هستند - با اختلاف نظرات وسیعی که دارند، حجت بر مردم دانست.

۵) از آن بالاتر، آن که شیعه، کلام اصحاب امامان علیهم السلام را مادامی که کاشفیت آن از قول معصومان علیهم السلام احراز نشده باشد، حجت نمی‌داند، چگونه در این روایت، کل مردم قم و شهر قم را جانشین امام زمان علیه السلام می‌شناسد؛ در حالی که وجود افراد فاسق و فاسد در هر شهری و از جمله قم، ولو اندک، مسلم است. این سخنی بالاتر از توثیق کل صحابه در میان اهل سنت است.

۶) حتی اگر این روایت را مربوط به آخر الزمان بدانیم، این امر بی‌فایده‌ای است؛ چرا که تاریخ دقیق آخر الزمان روشن نیست و اساساً این روایت ثمره علمی و عملی در بر نخواهد داشت؛ در حالی که ظاهر روایت در پی تشویق به اطاعت از قمیان است.

برخی عبارات دیگر نیز بر افواه مردم قم رایج است که با وجود جست و جوی وسیع، هیچ مستندی برای آن یافت نشد: مانند آن که هر کس سه شب در قم بخوابد، بهشت بر او واجب می‌شود.

نتیجه

بررسی علمی و بی‌طرفانه در عرصه حدیث نشان می‌دهد که:

برخی از روایات - که به عنوان حقایق مسلم بر تفکر جامعه سایه افکنده است - با بررسی سندی و متنی از حالت قطعیت خارج می‌شود و چنان که دیدیم، اگر حکم به جعلی بودن برخی از این روایات نکنیم، حداقل این کاوش‌ها نشان می‌دهد که کدام یک از این روایات ضعیف و غیر قابل اعتماد و کدام یک معتبر است. امام صادق علیه السلام فرمود:

^{۷۲} اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۰.

حدیث تدریه خیر من الف ترویه.^{۷۳} و از امام رضا علیه السلام روایت شده است: کونوا دراة ولا رواة.^{۷۴} از مباحث مطرح شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مرحله‌ای از تاریخ در اثر رقابت‌ها و منازعات بین دو مکتب حدیث مهم شیعه، یعنی کوفه و قم و تنشی که در جو علمی آن دوران حاکم بوده است، برخی روایات توسط افراد مغرض وارد متون حدیثی شده و توسط افراد ساده‌انگار و زودباور این روایات اشاعه یافته است.

اساساً روایاتی که فضایل عجیب و غریب برای مردم یک شهر بیان می‌کند، چه کارکرد سودمندی می‌تواند داشته باشد؟ آیا صدور این نوع روایات با آیات زیادی از قرآن کریم که دائماً انسان را تهدید می‌کند^{۷۵} و هیچ پشتوانه‌ای جز عمل صالح را مایه نجات و سعادت انسان نمی‌داند،^{۷۶} با این نوع روایات سازگاری دارد؟

به نظر می‌رسد این نوع روایات با اهداف کلی شریعت - که یکی از آنها مسئولیت‌پذیری^{۷۷} انسان در برابر اعمالش و هوشیاری همیشگی در برابر نیرنگ‌های شیطان است - سازگاری ندارد.

کتابنامه

- اخبار البلدان، ابن الفقیه احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، بیروت: عالم الکتب، اول، ۱۴۱۶ق.
- اخبار دارالایمان قم، سید نورالدین موسوی خلخالی، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۳۸۶ش.
- الاختصاص، شیخ مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالمفید والطباعه، بیروت: ۱۴۱۴ق.
- اصول الحدیث واحکامه، جعفر سبحانی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
- اصول الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ق.
- الامالی، شیخ مفید، بیروت: دارالمفید، ۱۹۹۳م.
- انوار المشعشعین، اردستانی کچویی قمی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۱ش.

۷۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۴. یک روایت که درست فهمیده شود، بهتر است از هزار روایت که بدون فهم بیان شود.
 ۷۴. الامالی، ص ۳۱؛ مسند الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸. بیشتر تلاش کنید که روایت را درست درک کنید تا این که خیلی روایت نقل کنید.

۷۵. «أفأمنوا مکر الله فلا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون» (سوره اعراف، آیه ۹۹).

۷۶. «لیس للانسان الا ما سعی» (سوره نجم، آیه ۳۸).

۷۷. «ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤولاً» (سوره اسراء، آیه ۳۴).

- باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، عبد الکریم بی آزار شیرازی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- بشارة المؤمنین فی تاریخ قم و القمیین، قوام اسلام جاسبی، بی جا، ۱۳۹۴ ق.
- تاریخ قم، حسن بن محمد بن سائب بن مالک اشعری قمی (م ۳۷۸ ق)، تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۵ ش.
- تاریخ قم، محمد حسین ناصر الشیعه، قم: انتشارات دار الفکر، ۱۳۵۰ ق.
- ترجمه قرآن، محمد مهدی فولادوند، تهران: انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
- ترمیتیکا قم از عصر باستان تا عصر معاصر (نام یونانی منزلی بین کاشان و ساوه در سفرنامه های سفرنامه های ونیزیان در ایران، کنتارینی، ترجمه منوچهر امیری، سفیر ونیز در ایران از ۱۴۷۳ تا ۱۴۷۷)، محمد رحمانی مختار، قم: دار النشر الاسلام، ۱۳۸۴ ش.
- جامع احادیث الشیعه، سید حسین طباطبایی بروجردی، المهر، قم، ۱۴۱۵ ق.
- الجرح والتعدیل، رازی، دایرة المعارف عثمانی، بیروت: احیاء التراث العربی، ۱۹۵۲ م.
- خلاصة الاقوال، علامه حلی، قم: دارالذخائر، قم، ۱۴۱۴ ق.
- خلاصة البلدان، صفی الدین محمد بن هاشم حسینی قمی، به کوشش: سید حسین مدرسی طباطبایی، قم: چاپ حکمت، قم، بی تا.
- دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، الشیخ المنتظری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۸ ق.
- ذکر اخبار دارالایمان قم، سید، نور الدین موسوی خلخالی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۸ ش.
- رجال ابن داود، ابن داود حلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
- رجال البرقی، احمد بن محمد بن خالد برقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، انتشارات حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ ق.
- رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۸ ق.
- شرح اللمعة، الشهيد الثاني، تحقیق: محمد کلانتر، جامعة النجف الدينية: منشورات مکتبة الداوری، اول، ۱۴۱۰ ق.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
- فضائل قم پاداش بهشت، اسلامی زاده، قم: انتشارات سپهر، قم، ۱۳۷۵ ش.
- الفهرست، احمد بن علی نجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، نجف: المكتبة الرضوية، [بی تا].
- قم جهل حدیث قم و حضرت معصومه، محمود شریفی، قم: نشر معروف، ۱۳۷۳ ش.
- قم در قحطی بزرگ، جان گرنی و منصور صفت گل، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۷ ش.
- مجالس المؤمنین، قاضی نور الله شوشتری، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- مختصر کتاب البلدان، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی ابن الفقیه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۹۸۸ م.
- مسجد مقدس جمکران، سید جعفر میر عظیمی، قم: انتشارات رسالت، ۱۳۷۴ ش.
- الملل والنحل، ابی الفتح ابی بکر احمد شهرستانی، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۲ ق.
- منتهی المقال فی احوال الرجال، ابو علی حائری، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۱۶ ق.
- منهج، النقد، نورالدین عتر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
- وسائل الشیعة، حر عاملی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۴ ق.
- هدایة المسترشدين، شیخ محمد تقی رازی، قم: موسسه آل البيت، [بی تا].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی